

# ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد

محمدقاسم رضایی<sup>۱</sup>

محبوبه سبزو<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۹

## چکیده

امروزه دغدغه بسیاری از مؤدیان و افراد متدین در کشور پرداخت مضاعف مالیات (متعارف و وجوه خمس و زکات) می‌باشد به طوری که آنها را با چالش‌های جدی از جمله اعتقاد به وجود بی‌عدالتی در سیستم مالیاتی روبرو کرده است. اگرچه پرداخت‌های داوطلبانه اصولاً یک امر شخصی است که بر اساس احساس فردی صورت می‌گیرد با این حال استراتژیها و مشوق‌های مالیاتی می‌تواند رفتار مؤدیان و حجم پرداختی این نوع وجوه را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، به منظور رفع ابهام موجود، بهتر است دولت با برنامه‌ریزی مناسب، سعی کند نظام مالیاتی به گونه‌ای تنظیم شود که نه تنها بار واجبات مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند بلکه زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینین نیز، فراهم آید. تجربه تعدادی از کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، اردن، بنگلادش و مصر نیز حاکی از آن است که پرداخت‌های داوطلبانه مردم مثل زکات، از درآمد مشمول مالیات آنها کسر می‌شود. به همین منظور در این مقاله تلاش می‌شود الگویی برای پذیرش خمس به عنوان مالیات ارائه گردد. سیاست «پذیرش وجوه خمس به جای مالیات» توسط مدارس علوم اسلامی (شورای مدیریت حوزه علمیه قم) و ارائه گواهی پرداخت خمس توسط این مدارس به سازمان مالیاتی و نظارت سازمان بر عملکرد این مدارس در رابطه با این وجوه، به عنوان سیاست جایگزین نظام فعلی «پذیرش وجوه مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول» در ایران معرفی شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مالیات بر درآمد، خمس، پرداخت‌های داوطلبانه، مالیات مضاعف، گواهی پرداخت

خمس

۱- کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی (نویسنده مسئول) moh\_rezaee59@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد و پژوهشگر در حوزه مالیات m.sabzroo@gmail.com

## ۱- مقدمه

امروزه در اکثر کشورهای جهان از درآمدهای مالیاتی به عنوان یک منبع قابل اطمینان برای پوشش دادن هزینه‌های جاری دولت از قبیل بهداشت، آموزش، امنیت و رفاه استفاده می‌شود. بنابراین اکثر کشورها درصدد افزایش این درآمدها به طرق مختلف از جمله اصلاح شیوه‌های اجرایی نظیر افزایش پایه‌های مالیاتی، ساده‌سازی قوانین و مقررات مالیاتی، مکانیزه‌نمودن تشخیص مالیات و نیز از راه افزایش میل به پرداخت‌های داوطلبانه، می‌باشند. اگر چه در زمینه اول اقدامات موثر و در خور توجه‌ای در ایران به عمل آمده است (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۱)، اما در زمینه جذب پرداخت‌های داوطلبانه از جمله خمس اقدام موثری انجام نگرفته است. این در حالی است که یکی از دغدغه‌های برخی از مؤدیان مالیاتی در کشور، پرداخت دو نوع مالیات به دو نظام مالیاتی است؛ یکی مالیات متعارف به سازمان امور مالیاتی و دیگری خمس و زکات به نهادهای دینی.

البته تفاوت مالیاتهای متعارف با وجوه خمس و زکات قابل چشم‌پوشی نیست؛ به این معنی که عمده هدف مالیاتهای متعارف، کسب درآمد برای دولتهاست و هدف دولتها نیز تامین نیازهای عمومی است در حالی که هدف از پرداخت وجوهات شرعی، نه تنها دستیابی به شایستگی دینی بلکه برخورداری از سهمی در از بین بردن نابرابری‌های جامعه است که نه با اجبار، بلکه به صورت داوطلبانه و خارج از تعهدات اجتماعی صورت می‌پذیرد (سبزو و رضایی، ۱۳۹۱). به همین دلیل در بسیاری از کشورهای جهان با آگاهی از نقش و تأثیر مهم بخش‌های مردمی و داوطلب در کمک به ایجاد اشتغال و افزایش رفاه اجتماعی، از این نهادها و موسسات به عنوان بازوی اجرای سیاستهای مختلف از جمله سیاستهای مالیاتی استفاده شده است. به عنوان مثال می‌توان از ارفاق مالیاتی به شکل اجازه کسر کمکهای خیریه از درآمد مشمول مالیات و تخفیف مالیاتی (اعتبار مالیاتی) که در همه کشورهای جهان تحت شرایط و ضوابط خاص به افراد واجد شرایط اعطاء می‌شود، نام برد (عرب‌مازار و زایر، ۱۳۹۰).

با عنایت به اینکه مساله عدالت و کاهش فقر از جایگاه ویژه‌ای در کشورمان برخوردار است، به طوری که عدالت اجتماعی را می‌توان روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد، در ۹ فصل از ۱۴ فصل قانون اساسی و ۲۶ اصل آن، به طور صریح بر عدالت و حتی ارائه راه کار و ذکر مصادیق آن تأکید شده است. لذا جهت‌گیری نظام مالیاتی در اجرای سیاستهای عدالت محور، نظیر ماده ۱۹ (کسر واجبات مالی از ماترک متوفی)، ماده ۱۳۹ (معافیت مالیاتی فعالیت‌های عام‌المنفعه و کمکهای دریافتی از سوی مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه) و ماده ۱۷۲ (معافیت مالیاتی کمکهای

پرداختی افراد و شرکتها به مؤسسات خیریه تعیین شده از سوی دولت) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

با این وجود دغدغه بسیاری از مودیان و متدینین در رابطه با پرداخت مضاعف مالیات (متعارف و وجوه خمس و زکات) کماکان وجود دارد به طوری که آنها را با چالش‌های جدی از جمله اعتقاد به وجود بی‌عدالتی در سیستم مالیاتی روبرو کرده است.

اگرچه پرداختهای داوطلبانه، اصولاً یک امر شخصی و بر اساس تصمیم‌گیری‌ها و اعتقادات فردی صورت می‌گیرد و انگیزش‌های مادی تأثیر کمتری در این حرکت دارند، اما این موضوع در شرایطی که متدینین و یا گروه کثیری از مودیان مالیاتی، دغدغه پرداخت دو نوع مالیات را دارند، قدری متفاوت است و برای گروه اخیر، استراتژی‌ها، مشوق‌های مالیاتی، حمایتی و یا انگیزه‌های مستقیم قانونی (پذیرش وجوهات داوطلبانه به عنوان مالیات) می‌تواند رفتار مودیان و حجم پرداختی این نوع وجوهات را تحت تأثیر قرار دهد.

تاکید و ترغیب فراوان تعلیمات اسلامی بر انفاقات، صدقات مستحبی، خیرات و اوقاف (کمک‌های اختیاری) نشان می‌دهد که در اسلام، نقش مردم در ایجاد توازن ثروت قابل توجه است. از این رو دولت باید در سیاست‌ها و تصمیمات خود آن را به‌طور مناسبی لحاظ نماید. از طرفی دولت‌ها سعی دارند تا از تصدی‌گری خود کاسته و مردم را در هزینه‌های مربوط به خود شریک کنند. بنابراین وجوهات شرعی در برابر مالیات قرار ندارند بلکه باری را از دوش دولت بر می‌دارند. پس بهتر است دولت با برنامه‌ریزی مناسب، سعی کند نظام مالیاتی به گونه‌ای تنظیم شود که نه تنها بار واجب مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند بلکه زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینین نیز، فراهم آید.

از این رو با عنایت به اهمیت موضوع و نقش بی‌بدیلی که نظام‌های مالیاتی می‌توانند در تحقق عدالت در جامعه ایفا نمایند، ضروری است که:

۱- قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس (خمس ارباح مکاسب) بازنگری شود؛ ویژگی مهم خمس به عنوان یک ابزار مالیاتی، نسبی بودن آن است. این ویژگی باعث تثبیت اوضاع اقتصادی می‌شود به این معنی که در شرایط پیشی گرفتن تقاضای کل از عرضه کل، از تورم جلوگیری کرده و از طرف دیگر از گسترش رکود، هنگامی که عکس وضعیت قبل رخ می‌دهد، ممانعت به عمل می‌آورد. همچنین، امتیاز دیگر خمس این است که اخذ آن، انگیزه افزایش تولید را برای عرضه‌کنندگان کاهش

نمی‌دهد زیرا از سود خالص تولیدکنندگان گرفته می‌شود (صدر، ۱۳۸۷). از طرفی، با توجه به اینکه خمس، مالیاتی است با نرخ ۲۰٪ که از خالص درآمد افراد (شامل ثروت، دارایی و درآمد) کسر می‌شود، لذا می‌توان این وجوه را یک نوع مالیات بر مجموع درآمد و به نرخ ۲۰٪ در نظر گرفت که اگر مودیان به راستی خمس‌دهنده باشند و آن را مطابق ضوابط شرع تعیین و پرداخت کنند، مالیات مستقیم خود را به نوعی پرداخت کرده‌اند بدون آنکه دولت، هزینه‌ای برای تشخیص و وصول آن کرده باشد.

۲- این مطلب را باید مدنظر قرار داد که این وجوه نمی‌توانند به عنوان مالیات رسمی و از طریق دولت جمع‌آوری شوند زیرا در حال حاضر، ورود حاکمیت به مدیریت حوزه‌های علمیه از جمله تأمین مالی بخشی از هزینه‌های سرمایه‌ای و تبلیغی و بیمه طلاب و حوزه‌های علمیه از بودجه عمومی، سبب شده موضوع حمایت مالی حاکمیت از حوزه‌های علمیه تبدیل به موضوعی چالش‌برانگیز برای تهدید استقلال آن تبدیل شود. حال اگر خمس نیز به عنوان مالیاتی رسمی و به صورت متمرکز توسط نهادهای دولتی جمع‌آوری و یا توزیع شود، این مشکل جدی‌تر خواهد بود (کیاء‌الحسینی، ۱۳۹۰). بنابراین، مسائلی مانند عبادی بودن زکات و خمس، دغدغه پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، ماهیت خوداظهاری بودن خمس و زکات و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی، باید مدنظر قرار گیرد.

همچنین، در زمان حاضر خمس ارباب مکاسب (سود ناشی از کسب و کار) به دلیل عمومیت آن و تعلق بر درآمد پس از استثناء نمودن هزینه حسابداری تولید و همچنین هزینه مصرفی خانوار (مؤدی)، می‌تواند در اقتصاد کاربرد وسیعی داشته باشد به نحوی که در بعضی از تحقیقات<sup>۱</sup> به عنوان جایگزینی برای مالیات بر درآمد مورد بررسی قرار گرفته است.

از این رو، لازم است که سیستم مالیاتی، در کنار الزام به جایگزینی «وجوه خمس به عنوان مالیات» به جای «پذیرش وجوه مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول»، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی از بخش‌های داوطلبانه را نیز بیش از پیش مدنظر قرار دهد. به همین دلیل در این مقاله، تلاش می‌شود تا با بررسی ادبیات موضوع، تجربه سایر کشورهای اسلامی و بررسی ویژگی‌ها،

۱- گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۷۹)، «تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، تهران.

ملاحظات و محدودیتهای مختلف پیش‌رو، الگویی برای پذیرش خمس به عنوان مالیات و راهکارهایی برای نظارت بهتر بر عملکرد عاملان این بخش از سوی نظام مالیاتی، ارائه شود.

این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است: در بخش دوم، وضعیت کنونی خمس در سیستم مالیاتی ایران بررسی شده است. در بخش سوم، ضرورت اصلاح نظام مالیاتی و لزوم جایگزینی خمس با بخشی از مالیات مورد توجه قرار گرفته است. در بخش چهارم به مزایا و چالش‌های پذیرش خمس به عنوان مالیات پرداخته شده است. در بخش پنجم، به بررسی نظری خمس به عنوان یک ابزار مالیاتی می‌پردازیم. در بخش ششم مقاله، تجربیات سایر کشورهای اسلامی ارائه شده است و بخش هفتم، به طراحی الگوی پذیرش خمس به عنوان مالیات، اختصاص یافته است. بخش هشتم، مربوط به پیشنهاد اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشد و در نهایت در بخش نهم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آورده شده است.

## ۲- وضعیت کنونی خمس از منظر مالیات

وضعیت قرار گرفتن و یا پذیرش وجوه شرعی خمس در سیستم مالیاتی کنونی، به گونه‌ای است که این واجب شرعی صرفاً در بخش مالیات بر ارث و به عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌شود و از درآمد ناخالص فرد متوفی کسر گردیده و بطور غیرمستقیم بر میزان مالیات تاثیر می‌گذارد: به موجب ماده ۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم، اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت است از «کلیه ماترک متوفی واقع در ایران و یا خارج از ایران، اعم از منقول و غیرمنقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی». بر اساس این ماده، وجوه خمس و زکات پرداختی توسط متوفی و یا وراث وی، صرفاً در قالب هزینه‌های قابل قبول بر روی مالیات تاثیر می‌گذارد. چگونگی پذیرش این وجوه توسط حوزه‌های مالیاتی ارث منوط به آن است که مطابق بخشنامه شماره ۲۷۸ مورخ ۱۳۸۲/۱/۹ سازمان امور مالیاتی، ائمه جماعت مساجد، آیات عظام، مدارس علوم دینی، موسسات خیریه دریافت کننده وجوه خمس و زکات باید از مراجع جامع شرایط یا نمایندگان مسلم‌الوکاله آنان قبض رسید مهور و ممضی به امضاء ایشان دریافت کنند. اعتبار و تقلبی نبودن این گواهی‌ها منوط به این است که به مدارس علمیه و مراجع مشخصی پرداخت شده باشد و گواهی صادره نیز باید به تایید مدرسه عالی شهید مطهری (دانشگاه علوم دینی شهید مطهری) رسیده باشد. آیات عظامی که در قبال دریافت خمس و زکات گواهی می‌دهند و مورد پذیرش عرفی حوزه‌های مالیاتی قرار می‌گیرند عبارتند از: (۱) آیت الله

لنکرانی؛ ۲) آیت الله صافی گلپایگانی؛ ۳) آیت الله سیستانی؛ ۴) آیت الله سبحانی؛ ۵) آیت الله خامنه‌ای؛ ۶) آیت الله خراسانی؛ ۷) آیت الله شبیر زنجانی. این مراجع توسط اداره کل مالیات بر ارث (سابق) تعیین شده‌اند.

### ۳- ضرورت اصلاح نظام مالیاتی و لزوم جایگزینی خمس با بخشی از مالیات

در گذشته و به دلیل عدم مشروعیت حکومتها و همچنین فتاوای مراجع وقت، پرداخت اکثر انواع مالیات‌های متعارف به دولت به دلیل تقویت حاکمیت آن دوران، مورد تایید نبوده است. مضافاً اینکه حاکمیت نیز در حوزه واجبات مالی مردم، هیچ دخالتی نداشته و مردم نیز وجوه پرداختی زکات و خمس را بر اساس نظر مراجع عظام تقلید، محاسبه، پرداخت و به روش‌های سنتی توزیع می‌کردند (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰).

این در حالی است که در شرایط حاضر مساله مالیات و وجوه خمس و زکات به صورتی دیگر نمایان شده است و با وجود حکومتی با صبغه دینی سوالات و ابهامات فراوانی در ذهن مردم شکل گرفته است مانند اینکه آیا افرادی که وجوه شرعی بالاخص خمس را پرداخت می‌کنند باید مالیات متعارف را نیز پرداخت نمایند؟ و یا برعکس آیا کسانی که مالیاتی به دولت می‌پردازند، لزومی دارد که وجوه خمس و زکات خود را نیز پرداخت نمایند؟ آیا پرداخت وجوه مالی کافی از مالیات‌های متعارف نیست؟ در تعارض بین مالیات‌های متعارف و خمس و زکات، کدام یک در پرداخت مقدمند؟ آیا با وجود برخورداری دولت از انفال و درآمد آن برای تأمین هزینه‌های عمومی، باز هم مردم موظف به پرداخت مالیات‌های متعارف هستند؟

بنابراین امروزه در کشور، لزوم پرداخت انواع مالیات‌ها به همراه پرداخت واجبات مالی و ارتباط آنها با یکدیگر، از مسائلی است که سیستم مالیاتی، نهادهای دینی و مردم با آن مواجه هستند و طبیعتاً این ارتباط، ابهاماتی را برای هر یک از سه طرف ایجاد نموده که حل آن ضرورتی علمی و اجرائی است. لذا جستجوی راه‌حلی مناسب جهت سامان‌دهی این ارتباط، نه تنها موجب افزایش پرداخت‌های مالی مردم خواهد شد بلکه از دغدغه‌های مردم در رابطه با پرداخت دو نوع مالیات نیز کاسته می‌شود. بنا به دلایل زیر، وجوه خمس می‌تواند به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد تلقی شده و صرفاً توسط یک نهاد مردمی - غیردولتی مانند مدارس علوم اسلامی جمع‌آوری شوند:

۱- در حال حاضر سهم عمده خمس و بعضاً زکات، از طریق مراجع تقلید صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمیه (به عنوان یک مرکز آموزشی دینی) می‌شود. هزینه‌هایی مثل تأسیس

حوزه‌های علمیه، ساخت و تعمیر مدارس علمیه، مساجد، بناها و نهادهای دینی، تأمین کالاهای سرمایه‌ای برای آن، تأمین مالی بخشی از هزینه‌های زندگی طلاب و مدرسان حوزه‌های علمیه، تأمین هزینه‌های استخدام نیروی کار برای آن و هزینه‌های تبلیغ دین و مذهب تشیع و غیره. به عبارت دیگر قسمت زیادی از این وجوه در حال حاضر صرف آموزش و بهداشت افرادی از این جامعه می‌شود در حالی که به عنوان مالیات شناخته نمی‌شوند. این در حالی است که یکی از اهداف مهم دریافت مالیات‌ها، پوشش دادن هزینه‌های جاری مانند بهداشت، آموزش، امنیت و ... می‌باشد.

۲- مدارس علوم اسلامی به دلیل ماهیت فعالیت‌هایشان بر اساس مکتب اسلام، نقش بسیار مهمی در کمک به تأمین اهداف مورد نظر دولتها در بخش اجتماعی و حمایت از فقراء، اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر دارند.

۳- مدارس علوم اسلامی، در مقایسه با برنامه‌های حمایتی دولت به نیازهای اجتماعی، پاسخ‌گوترند و افراد متدین، اغلب سریع‌تر از برنامه‌های دولت به نیازهای در حال تغییر اجتماعی، واکنش نشان می‌دهند.

۴- پذیرش خمس به عنوان مالیات، نوعی حمایت غیرمستقیم دولت از دیدگاه‌های عدالت‌محور تلقی شده و کارایی حمایت‌ها و دیدگاه‌های غیرمستقیم دولت، بیشتر از پرداختهای مستقیم است. با این حال این نکته قابل ذکر است که استفاده از نهادهای مردمی مانند مدارس علوم اسلامی و فعالیت‌های مرتبط با آنها، با تهدیدهایی همراه هستند که از آن جمله می‌توان به امکان سوء استفاده از این مدارس تحت عناوین مختلف برای فرار مالیاتی و یا پرداختهای ظاهری و غیرواقعی اشاره نمود. به همین دلیل، بحث نظارت و افزایش شفافیت در مدارس علوم اسلامی در رابطه با وجوهات مالی از طریق نظام مالیاتی، موضوع بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱</sup>

۴- مزایا، چالش‌ها و پیش‌نیازهای پذیرش خمس به عنوان مالیات

به طور کلی پرداختهای مردم (مالیات و وجوهات مالی) می‌تواند از نظر اجرائی و در هر زمان، به نوعی مدیریت شود که نتیجه مطلوب از فرایند مالیات‌ستانی حاصل شود. لذا با توجه به این موضوع که اخذ مالیات جزو وظایف عادی دولتها به شمار می‌رود، ضروری است نظام اسلامی زمینه را برای کسانی که متمایل به انجام کارهای خیرخواهانه هستند فراهم سازد. به همین دلیل، دولت اسلامی می‌تواند

۱- این بحث (نظارت و شفافیت در مدارس علوم اسلامی) می‌تواند به عنوان یک تحقیق مستقل، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در راستای شفافیت عملکرد این مدارس، میتوان این مدارس را ملزم به ارائه اظهارنامه و ترازنامه نمود.

مکانیزم‌هایی را به منظور فراهم کردن این زمینه به مرحله اجرا در بیاورد مثل پذیرش وجوهات مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول، پذیرش وجوهات مالی به عنوان بخشی از درآمد مشمول مالیات، پذیرش این وجوهات به عنوان اعتبار مالیاتی و در نهایت، پذیرش وجوهات مالی به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد. با توجه به مطالب قبلی و شرایط فعلی موجود در کشور که باعث تالم خاطر تعداد زیادی از متدینین شده است چنانچه زمینه اجرای پذیرش خمس به عنوان مالیات فراهم شود، مناسب- تر است. این در حالی است که توسعه بخش وجوهات مالی و روشهای برخورد مالیاتی با آنها، از مزایا و چالش‌هایی (محدودیت‌هایی) به شرح زیر برخوردارند:

#### ۴-۱- مزایا

- ۱- تشویق، ترویج و ایجاد انگیزه برای ادای واجبات دینی خمس در میان مردم؛ با کاهش دغدغه‌های مردم نسبت به پرداخت مالیاتهای مضاعف، انگیزه آنان برای ادای واجبات دینی افزایش یافته و در نهایت رغبت و تمایل مردم به انجام امور خیریه و نیکوکاری زیاد می‌شود.
- ۲- افزایش یافتن وجوهات شرعی توسط نهادهای گیرنده؛ در صورت پیدایش این ذهنیت در بین مردم که نه تنها مالیات مضاعفی پرداخت نمی‌کنند، بلکه پرداختهای مالی آنها نیز به عنوان مالیات پذیرفته می‌شود، میل به پرداختهای داوطلبانه آنها قطعاً افزایش خواهد یافت.
- ۳- جلوگیری از تبعیض و تحمیل پرداخت مضاعف وجوهات مالی و مالیات؛ هدف عمده مالیاتهای متعارف و وجوهات مالی، کسب درآمد برای رفع نیازهای جامعه به منظور از بین بردن نابرابری‌های موجود در آن است. لذا این دو پرداخت در اصل، نقش مکمل برای هم دارند نه نقش جانشینی. به همین دلیل، بجاست که از دغدغه عملی متدینین در این زمینه کاسته شده و خمس به عنوان مالیات پذیرفته شود.
- ۴- افزایش نقش نهادهای مذهبی و مردمی در جمع‌آوری مالیات و تخصیص آن با کارایی بیشتر و اعمال نظارت بر نهادهای گیرنده؛
- ۵- کاهش هزینه‌های تشخیص و وصول مالیات؛ با توجه به اینکه دو مشخصه بارز خمس، عبادی بودن و خوداظهاری بودن آن است، لذا مردم به میل خود آن را محاسبه و پرداخت می‌کنند و بنابراین هزینه‌های وصول مالیات کاهش می‌یابد.
- ۶- توسعه مراکز جمع‌آوری مالیات و فراهم کردن زمینه‌های ورود نهادهای مردمی و خیریه برای رفع نابرابریهای جامعه؛



۷- کاهش تعهدات دولت برای کمک به نهادهای آموزشی دینی؛ با توجه به اینکه، دولت هر ساله کمک‌هایی به نهادهای آموزشی - پژوهشی اسلامی می‌کند (قانون بودجه سنوات مختلف)، لذا پذیرش خمس به عنوان مالیات می‌تواند بار مالی دولت در این زمینه را کاهش دهد.

۸- کمک به دولت برای پرداختهای اجتماعی و فرهنگی؛ نظر به اینکه قسمتی از وجوهات مالی صرف مصالح عمومی جامعه می‌شود لذا قسمتی از مشکلات و تنگناهای دولت در زمینه پرداختهای اجتماعی و فرهنگی مرتفع خواهد شد.

۹- شفاف شدن نسبی پرداختهای واقعی مصرف‌کنندگان برای تامین نیازهای اجتماعی و مذهبی؛

۱۰- افزایش اطلاعات و شفاف شدن منابع درآمدی بخش خصوصی (افزایش اطلاعات سیستم مالیاتی از فرآیندهای کسب و کار)؛ به علت عدم اطلاعات کافی سیستم مالیاتی از اشخاص حقیقی که زمینه فرار مالیاتی بسیاری را برای آنها فراهم کرده و با توجه به اینکه تعداد زیادی از این افراد که به دلایل مختلف زیر چتر نظارت سیستم مالیاتی قرار نگرفته‌اند، اشخاصی هستند که وجوهات مالی پرداخت می‌کنند و یا ظرفیت پرداخت آن را دارند، لذا دولت می‌تواند با پذیرش خمس به عنوان مالیات به طور غیرمستقیم و با تدوین مکانیزمهای مدرن، به اطلاعات درآمدی و فرآیندهای کسب و کار آنها دسترسی پیدا کند.

۱۱- تثبیت قسمتی از درآمدهای مالیاتی به علت میل پرداخت مردم به خمس و زکات به طور مستمر و در هر سال مالی؛

۱۲- تثبیت درآمد ملی به علت آنکه خمس، مالیاتی نسبی است و جزو تثبیت‌کنندهای خودکار است؛

۱۳- افزایش مشارکت شهروندان در تشخیص اولویتهای اجتماعی و تخصیص درآمدهای عمومی بر اساس این اولویتها؛

۱۴- کاهش انگیزه‌های فرار و انتقال مالیاتی؛ از آنجا که به موجب حکم قرآن، پرداخت خمس و زکات جزء وظایف عبادی مسلمین بوده و بر آنان واجب شده، لذا انگیزه‌های فرار مالیاتی و انتقال مالیاتی آن، حداقل می‌باشد.

#### ۴-۲- چالش‌ها و محدودیت‌ها

۱- کاهش درآمدهای خزانه: چنانچه وجوهات خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد پذیرفته شوند ظاهراً به این مفهوم است که رقم مالیات بر درآمد در مستندات خزانه کاهش پیدا کرده است. این مساله می‌تواند به طور جدی موجب نگرانی سیاستگذاران مالیاتی شده و مانع از اجرا و تصویب این

طرح شوند. این در حالی است که برعکس، پرداختهای مالیاتی خمس افزایش می‌یابد و قطعیتی وجود ندارد که درآمدهای خزانه کاهش یابد. در عین حال، درآمدهای عمومی دولت نه تنها تغییری پیدا نمی‌کند بلکه با توجه به استدلال ذکر شده (رغبت مردم به پرداخت وجوهات شرعی)، ممکن است افزایش هم داشته باشد.

۲- عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز باشد: متأسفانه در هیچ بخشی از مجموعه ۲۷۳ ماده‌ای قانون مالیاتهای مستقیم، ارتباطی بین مالیات‌های متعارف و دینی دیده نمی‌شود، حتی مرجعی هم برای رسیدگی به عدم تعارض مواد آن با قوانین شرع در نظر گرفته نشده است (گرچه مرجعیت عام شورای نگهبان در کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی وجود دارد).

۳- نبود عزم جدی از سوی نظام قانون‌گذاری کشور برای تدوین قوانینی در مورد وجوهات مالی: بی‌تردید تحقق نظام مالیاتی بدون تبعیض و با کارکردهای عدالت‌محور، مستلزم خواست دولتمردان و تصمیم‌سازان نظام از یک‌سو و انگیزه و تلاش اندیشمندان حوزه و دانشگاه از سوی دیگر است (سبزو و رضایی، ۱۳۹۰). لذا باید عزم و انگیزه‌ای جدی هم در میان مسوولان اجرایی و هم نظام قانون‌گذاری کشور برای تدوین چنین قوانینی وجود داشته باشد که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، چنین انگیزه‌ای حداقل در میان نظام قانون‌گذاری کشور ضعیف است.

۴- محدودیتهای موجود در قوانین مالیاتی کشور: به عنوان مثال، کامل نبودن اعضاء شورای عالی مالیاتی کشور در جهت انطباق بیشتر قوانین مصوب با قوانین شرع، یکی از موارد قابل ذکر است (کیاءالحسینی، ۱۳۹۰). با نگاهی به متن ماده ۲۵۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، ملاحظه می‌شود که در اهداف این شورا که به نظر، عالی‌ترین مقام بررسی قوانین مالیاتی کشور است، انطباق با شرع بودن قوانین مالیاتی کشور، یا حداقل عدم تعارض آن با شرع مورد توجه قرار نگرفته است و حال آنکه در بسیاری از کشورهای اسلامی شوراهای فقهی یا شریعت برای انطباق یا عدم انطباق قوانین مربوطه با شرع در نظر گرفته شده است.

۴- امکان سوءاستفاده توسط افراد سودجو: مودیان مالیاتی به خاطر فرار مالیاتی و اظهار غیرواقعی درآمدهایشان و دریافت‌کنندگان وجوهات مالی نیز به خاطر تبانی و دریافت رشوه، ممکن است دست به اعمال خلاف قانون بزنند. این مساله با روشهای نظارتی قابل کنترل خواهد بود.

#### ۴-۳- پیش نیازهای پذیرش خمس به عنوان مالیات

در زمینه پذیرش خمس به عنوان مالیات پیش‌نیازهایی به شرح ذیل مورد نیاز است:

\* انجام پژوهش‌هایی در زمینه لزوم پذیرش خمس به عنوان مالیات

لازم به ذکر است که در زمینه پذیرش خیرات به عنوان اعتبار مالیاتی مقالات متعددی ارائه شده است که نمونه ای از این مقالات، مقاله عرب مازار و زایر (۱۳۹۰) با عنوان «ارائه الگویی برای حمایت مالیاتی از کمکهای خیریه در ایران (لزوم بازنگری در ماده ۱۷۲ ق.م.م با رویکرد اعتبار مالیاتی)» است که در سال گذشته در چهارمین همایش مالیاتهای اسلامی ارائه شد. از آنجایی که خمس نیز یکی از خیرات تلقی می‌شود با این تفاوت که از سوی شرع مقدس اسلام به آن تاکید شده است پس می‌توان کلیه کارهای مربوط به خیرات را تاکید مجدد بر لزوم پذیرش آن به عنوان اعتبار مالیاتی تلقی نمود. ارائه چنین مقالات پژوهشی حاکی از اهمیت خیرات در فرهنگ‌های مختلف و حاکی از تلاشهایی است که در جهت کاهش معقول مالیات از افراد خیر و ایجاد مشوقی در این خصوص، انجام می‌پذیرد.

\* تعیین متولیان دریافت خمس و صدور گواهی پرداخت وجوه شرعی<sup>۱</sup>

چنانچه از وضعیت موجود که همانا پذیرش وجوه خمس و زکات بعنوان هزینه قابل قبول است به وضعیتی برسیم که در آن، این وجوه به عنوان اصل مالیات تلقی شود باید ساختار وصول‌کننده‌ای را برای آن در نظر بگیریم. مدارس و حوزه‌های علمیه در صورت احراز شرایطی، می‌توانند قابلیت دریافت این وجوه و صدور مجوز را داشته باشند. این شرایط عبارتند از:

۱- ثبت این مدارس در سازمان امور مالیاتی؛

۲- برخورد سازمان با این مدارس مانند برخورد آن با مدارس غیر انتفاعی باشد به نحوی که ترازنامه و کلیه گردش مالی آنها زیر نظر سازمان بوده و به آن تسلیم شود و لیست حقوق و اظهارنامه آنها به سازمان ارائه شود؛

۳- مالیات حقوق و پیمانکاری را نیز باید به سازمان بپردازند و در امور عام المنفعه از پرداخت مالیات معاف باشند.

۱- در این زمینه با مدیریت حوزه‌های علمیه تهران، جناب آقای خسرو شاهی ملاقات‌هایی صورت گرفت که حاکی از تمایل این مراکز برای همکاری با سازمان امور مالیاتی در زمینه وصول خمس است. این مراکز در صورت انتصاب به عنوان وصول‌کننده خمس، می‌توانند گردش مالی خود را در اختیار سازمان قرار دهند و شرایط احراز وصول‌کننده خمس را دارند.

## ۵- ادبیات نظری در زمینه ویژگی‌های خمس به عنوان یک ابزار مالیاتی

### ۵-۱- تعریف خمس و موارد آن

خمس یکی از واجبات مالی در اسلام و بخصوص در مکتب شیعه است.<sup>۱</sup> وجوب خمس، از ضروریات اسلام است و قرآن و روایات و اجماع فقها بر آن دلالت دارند (المنتظری، بی تا و الخوی، ۱۳۶۴). خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و اعلموا انما غنمتم من شی فان لله خمسه و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم آمنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شی قدیر. (سوره انفال، آیه ۴۱)».

یعنی: «ای مومنان بدانید که از هر چه به شما غنیمت و فایده رسد خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است اگر خدا و آنچه بر بنده خود (محمد ص) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر) رو به رو شدند نازل فرمود ایمان آورده‌اید و بدانید که خدا بر هر چیز توانا است».

خداوند در این آیه با آوردن کلمه «ان» بر اهتمام و عنایت خاص به این حکم توجه داده و موضوع حکم خمس را غنیمت به دست آمده از هر چیزی (شی) معرفی نموده است.

هر چند منظور آیه، غنایم جنگی می‌باشد و فقهای اهل سنت نیز تنها غنایم جنگی را مشمول خمس در آیه مذکور می‌دانند ولی فقهای شیعه مورد را مختص غنایم جنگی نمی‌دانند، زیرا اگر چنین انحصاری پذیرفته شود باید مورد حکم را خمس غنایم جنگ بدر دانست که مورد آیه می باشد (المنتظری، بی تا).

اکثر فقها در تفسیر آیه شریفه به معنای لغوی و عرفی غنیمت نظر دارند. به هر حال فقهای شیعه با توجه به معنای غنیمت در آیه و به استناد روایات و اجماع فقها موارد خمس را تا هفت مورد برشمرده اند: ۱- غنایم جنگی، ۲- معدن، ۳- گنج، ۴- غوص، ۵- درآمد کسب (ارباح مکاسب)، ۶- زمینی که ذمی از مسلمانان بخرد، ۷- مال حلال مخلوط به حرام (المیلانی، ۱۳۵۸).

۱- صاب جواهر، خمس را حق مالی می‌داند که خداوند تبارک و تعالی که مالک بالاصاله می‌باشد در مال مخصوص برای خود و بنی‌هاشم بر بندگان واجب نموده است که آنها رؤسا و حکمرانان و اهل فضل و احسان به مردم می‌باشند و خداوند خمس را به خاطر اکرام آنها و به واسطه منع زکات واجب نموده است (الشیخ محمد حسن النجفی ۱۹۸۱ م). ج. ۱۶، ص ۲.

معادل و ارباب مکاسب از میان موارد فوق با توجه به شرایط اقتصادی- اجتماعی کشور، عمده درآمدهای مشمول خمس را تشکیل می‌دهند.

## ۵-۲- ویژگی‌های خمس

الف) خمس یک عبادت مالی است: یکی از ویژگی‌های خمس مانند زکات تقریباً در نزد تمام علما عبادی بودن آن می‌باشد. آنها نیت و قصد قربت را در آن شرط دانسته‌اند، بدین معنا که مؤدی بایستی هنگام پرداخت، نیت کند که این وظیفه را به خاطر خداوند انجام می‌دهد. در حقیقت خمس از دو وجه مالی و عبادی تشکیل شده است.

همین ویژگی است که رفتارهای مالی فرد مسلمان را با مبانی اعتقادی و اخلاقی او مربوط می‌سازد و تکالیف الهی را بستر حرکت انسان به سمت هدف خلقت قرار می‌دهد؛ بنابراین هر چه جامعه از اعتقادات قوی‌تر و سالم‌تری برخوردار باشد زمینه فرهنگی دادن خمس در جامعه بیشتر فراهم شده و پیامدهای آن در اجرا و ایفای نقش‌های یک مالیات مطلوب نمودار می‌شود.

ب) درآمد مشمول خمس (مبنای خمس): درآمد مشمول خمس باید به شکل خالص اندازه‌گیری شود (الحر العاملی، ۱۳۹۱ق). بنابراین هزینه‌های تحصیل، استهلاک واقعی و جبران خسارتها (تلف) و زیان‌های وارده بر سرمایه، مطابق شرایطی قابل کسر می‌باشند (التجفی، ۱۹۸۲م؛ الطباطبایی الیزدی، ۱۳۶۳؛ الخویی، ۱۳۶۴). همچنین در وجوب خمس بر درآمد کسب فرقی ما بین درآمدهای اکتسابی و غیره (ناشی از سرمایه) وجود ندارد؛ بنابراین هرگونه درآمد را که بخش خصوصی به صورت شرکت و غیرشرکت تحصیل می‌کند، مشمول خمس خواهد بود.

خمس به عین مال تعلق می‌گیرد. بنابراین در غیر موارد دریافتی‌های پولی (دستمزد، سود و غیره) خمس بر درآمد واقعی تعلق می‌گیرد. مطابق احکام فقهی درآمد فعلیت‌نیافته (نقد نشده) نیز مشمول خمس می‌باشند (همان). لازم به ذکر است که درآمدهای احتسابی مشمول خمس نیست و فرقی بین درآمدهای جنسی و نقدی نیز نمی‌باشد.

ج) معافیت‌ها: همان‌طور که اشاره شد خمس بر تمامی درآمدها تعلق می‌گیرد و هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی شخص، از این قانون مستثنی نمی‌باشد. تنها موردی که شارع در خمس فواید کسب در نظر گرفته است، مخارج سالانه خانوارها می‌باشد که از درآمد مشمول خمس کسر می‌شود.

د) واحد مشمول خمس: خمس یکی از فرایض مالی است که متوجه هر صاحب درآمد می‌باشد. به طوری که حتی بچه نابالغ باید هنگام بلوغ خمس مال خود را بپردازد. مطابق نظر بعضی از فقها، به

طور کلی خمس مقید به شرایط تکلیف نمی‌باشد (الطباطبایی الیزدی، ۱۳۶۳). اما درآمد اشخاص حقوقی، مازاد بر اشخاص حقیقی، مشمول خمس جداگانه نمی‌باشد. بنابراین واحد مشمول خمس، صاحب درآمد می‌باشد، مثلاً در یک خانوار کلیه اعضای دارای درآمد، مستقلاً مشمول خمس می‌باشند.

هـ) ساختار نرخ: نرخ نهایی در خمس برای مازاد درآمد از مخارج سالانه خانوار، ۲۰ درصد می‌باشد که مطابق نصّ آیه شریفه مقداری ثابت است. البته طبق تعریفی که تصاعدی بودن را بر مبنای نرخ متوسط مالیاتی معرفی می‌نماید، با توجه به معافیت مخارج سالیانه، می‌توان نشان داد که خمس نیز علی‌رغم یکنواختی نرخ آن، یک مالیات تصاعدی است.

به منظور توضیح بیشتر مساله، رابطه زیر را در نظر می‌گیریم:

بدهی مالیاتی هر خانوار بابت خمس در سال، مطابق تعریف خمس برابر است با:

$$TR_i = t (y_i - A_i) \quad y_i > A_i$$

که  $TR_i$  بدهی مالیاتی هر خانوار (بدهی خمس)،  $y_i$  و  $A_i$  به ترتیب مجموع درآمد و هزینه‌های مصرفی هر خانوار،  $t$  فرد خمس‌دهنده و  $20\%$  می‌باشد. اگر بخواهیم نرخ متوسط مالیاتی هر خانوار را نسبت به درآمد ناخالص آن به دست آوریم ( $at_i$ ) در این صورت خواهیم داشت:

$$at_i = TR_i / y_i = t - t \cdot \frac{A_i}{y_i}$$

هرگاه نسبت مخارج به درآمد خانوار را  $bi = \frac{A_i}{y_i}$  بگیریم در این صورت علیرغم افزایش سطح مخارج  $A_i$  با افزایش  $y_i$  (حرکت به سمت دهک‌های درآمدی بالاتر)، لیکن به دلیل فزونی میل نهایی به مصرف در طبقات پایین نسبت به طبقات بالای درآمدی، نرخ متوسط مالیاتی ( $at_i$ ) با افزایش درآمد، بیشتر خواهد شد. البته هر چند هزینه‌های قابل قبول از یک طبقه به طبقه دیگر تغییرات زیادی نمی‌کند و در نتیجه مقدار تغییرات  $b$  در دهک‌ها ممکن است زیاد باشد ولی با توجه به ضریب  $20\%$ ، تغییرات نرخ متوسط مالیاتی نیز کم بوده و در نتیجه ساختار نرخ، تصاعد ملایمی را تشکیل خواهد داد (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۷۹). در جدول شماره یک ویژگی‌های خمس به صورت خلاصه ارائه شده است:

## جدول (۱) - ویژگیهای وجوه مالی خمس

ویژگی	خمس
پایه	دارائی: اصل و ارزش افزوده مازاد اقتصادی: پس انداز و سود
نرخ	نسبی
نوع نرخ	ثابت
نوع	مستقیم
درآمد زائی	بسیار زیاد
اثر بر:	
سرمايه‌گذاري	دارد
پس انداز	دارد
مصرف	ندارد
کارائی تولید	ندارد
رفاه مصرف کنندگان	ندارد
قابل انتقال	نیست
اثر تثبیت‌گندگی	از تورم جلوگیری می‌کند یعنی از تأثیر افزایش تقاضای کل بر درآمد می‌کاهد
قابلیت انقباض و انبساط	ندارد
انواع مصارف	معین
اولویت تخصیص	نخست در محل جمع‌آوری صرف شده و سپس مازاد آن به مرکز منطقه و پس از آن به پایتخت ارسال می‌شد
عدالت افقی و عمودی	دارد
توزیع درآمد	باز توزیع خمس اثری شگرفی بر توزیع درآمد و ضریب جینی دارد
نحوه برآورد و جمع‌آوری	مشخص است و باید اعتماد به مؤدی و اظهارات وی سرلوحه کار قرار گیرد
وصول‌کننده	در مالیاتهای اسلامی لازم نیست که مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است که آنرا در مصارف معین خرج کند اما در صورتی که حاکم دستور دریافت خمس و زکات را صادر نماید بر همهٔ مودیان واجب است که آنرا به دولت بپردازند اما اختیار دریافت مالیاتهای متعارف با دولت است. اختیار مودیان در انتخاب موارد خرج این مالیات ناکارایی دولت را در شناخت و تخصیص پوشش می‌دهد
سهولت برخورداری مودیان از معافیت	افراد بی بضاعت و نیازمندان از پرداخت خمس معاف هستند
جنبه عبادی	خمس جزء عبادات محسوب می‌شود بنابراین دین تاکید کننده اصلی انجام آن است
صرفه جویی	جمع‌آوری مالیاتها باید به طرقي صورت گیرد که در برگيرندهٔ کمترین هزینه باشد. قاعده خودتشخیصی یا خوداظهاری در مالیاتهای اسلامی نمود بسیاری دارد، بطوری که افراد داوطلبانه مالیات خود محاسبه و پرداخت نمایند که در کاهش هزینه جمع‌آوری، مراحل رسیدگی، اجراء، وصول و غیره بسیار مؤثر است

منبع: کتاب اقتصاد صدر اسلام، تالیف سید کاظم صدر

و) مصارف خمس (رابطه خمس و بودجه دولت): اساساً، خمس به دو قسمت سهم امام و سهم سادات تقسیم می‌شود (الخویی، ۱۳۶۴). فقها مصارف خمس را در دو زمان حضور امام (ع) و غیبت ایشان مورد بحث قرار داده و در بین آنها دو دیدگاه برای خمس رایج است:

دیدگاه اول: مطابق این دیدگاه سهم امام ملک امام (ع) است بنابراین در دوران غیبت باید در موارد رضایت او مصرف شود. مسولیت جمع‌آوری و هزینه‌کردن بر عهده مراجع تقلید می‌باشد، زیرا آنها به موارد رضایت امام نسبت به دیگران آگاه‌ترند. مطابق این نظر، پرداخت‌کنندگان خمس می‌توانند شخصاً سهم سادات را در موارد آن هزینه کنند (الخویی، ۱۳۶۴؛ الحسینی القزوینی، ۱۳۷۲؛ الطباطبایی الحکیم، ۱۳۹۰ق).

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه خمس حق واحد و برای منصب امامت و حکومت می‌باشد و امام حق تصرف در آن را دارد. بنابراین در زمان غیبت در صورت بسط ید فقیه جامع الشرایط و تشکیل حکومت اسلامی، تمام خمس در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد تا در جهت مصالح جامعه اسلامی هزینه شود. البته به دلیل تعلق صدقه، تامین زندگی فقرا سادات نیز با خمس صورت می‌گیرد (المیلانی، ۱۳۵۸، الخمینی، ۱۴۱۰ق، و رساله‌های توضیح‌المسائل آقایان محمد فاضل لنکرانی، حسین نوری‌همدانی و یوسف صانعی). بنابراین نظر، خمس جزء بودجه دولت اسلامی می‌باشد و لذا می‌توان نظام مالیات بر درآمد را با جایگزین کردن خمس، اصلاح نمود.

## ۶- تجربه سایر کشورها

تجربه خاصی در کشورهای اسلامی در رابطه با پذیرش وجوهات مالی<sup>۱</sup> (بالاخص خمس) به عنوان مالیات وجود ندارد ولی به دلیل وسعت اموال مورد تعلق زکات در چهار مذهب فقهی اهل سنت و دلایل سیاسی-اجتماعی، قانون زکات در دهه‌های گذشته در چندین کشور اسلامی تصویب و به مرحله اجرا درآمده است. در کشورهای اسلامی عمدتاً از وجوهات مالی اسلامی جهت رونق فعالیت‌های خیریه استفاده می‌شود. به عنوان مثال در سودان، اردن، پاکستان، عربستان، یمن و مالزی پرداخت زکات الزامی است و برای کسانی که از دادن زکات خودداری کنند، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده و با وجود این مجازات‌ها، تسهیلاتی نیز برای تشویق زکات در نظر گرفته شده است (سبزو و رضایی، ۱۳۹۱). در قانون زکات پاکستان، به اندازه زکاتی که فرد مکلف، به صندوق‌های زکات

۱- با توجه به اینکه عمده کشورهای اسلامی سنی مذهب هستند و فقط زکات را قبول دارند، لذا قوانین وجوهات مالی آنها بر زکات متمرکز می‌باشد.



می‌پردازد اجازه داده شده تا از درآمد و ثروت مشمول مالیات او کسر شود. همچنین در این قانون اخذ مالیات بر اراضی و مالیات توسعه از زمین‌هایی که از آنها خراج دریافت می‌شود، ممنوع شده است (همان). در کشورهایی مانند اردن، بنگلادش و مصر پرداخت زکات به صورت داوطلبانه است و به افرادی که زکات خود را به صندوق زکات بپردازند، اجازه داده شده است تا به همان میزان از درآمد مشمول مالیات خود، کسر کنند (کیاءالحسینی، ۱۳۸۸). در ادامه به تجربیات ۶ کشور بنگلادش، مالزی، عربستان، پاکستان، سودان و مصر که در زمینه وجوهات مالی (زکات) سابقه بیشتری دارند، اشاره می‌شود:

### بنگلادش:

از سال ۱۹۷۲، بنگلادش طرح ریشه‌کنی فقر را در فهرست برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای خود قرار داد. این کشور با استفاده از توسعه شهری یکپارچه و الگوهای اعتباری خرد بر آنست که فقر را کاهش دهد (منور حسین، ۲۰۰۵). این برنامه مبتنی بر زکات است که در قرآن و سنت به آن اشاره شده است. در سال ۲۰۰۵ موسسه حضرت محمد (ص) در داکا، روش‌شناسی و الگوی جدیدی را برای پرداخت زکات و بکارگیری مبالغ آن پیشنهاد نمود به طوری که از زکات استفاده بهینه‌ای در جهت ریشه‌کنی فقر صورت گیرد. این تلاشها در راستای سه بعد اصلی صورت گرفت: دولت، دانشگاه و سازمانهای غیردولتی.

در این الگو، وجوه زکات سرمایه‌گذاری شده و سپس از محل سود این سرمایه‌گذاری به افراد فقیر کمک می‌شود. همچنین در این الگو بررسی می‌شود که سرمایه‌گذاری در چه پروژه‌هایی پرریسک و غیرسودآور است.

همچنین در این الگو، در برآورد زمان ریشه‌کنی فقر، سه پارامتر بسیار مهم دخیلند (همان منبع):

- درصد سود حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه زکات؛
- سهم سرمایه‌گذاری مجدد سود حاصل از وجوه زکات در هر سال؛
- سهم سرمایه‌گذاری زکات که بصورت درآمد حاصل از کار، برای خانواده‌های واجد شرایط دریافت زکات در نظر گرفته می‌شود.

### مالزی:

در کشور مالزی، دولت فدرال و دولت ایالات، چه در جمع‌آوری مالیات زکات و چه در مصرف آن، مکانیزم و قاعده‌مندی خاصی را فراهم کرده‌اند (اقبال و لوئیس، ۲۰۰۹). برای جمع‌آوری این مالیات‌ها

از پیشرفته‌ترین مکانیزم‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری استفاده می‌کنند تا مشخصاً این مالیات‌ها را جمع‌آوری و مدیریت کنند. حتی مثل مالیات‌های متعارف، بسته‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای محاسبه این نوع مالیات طراحی کرده‌اند که مقدار مالیات زکات هر مودی و پایه مالیاتی او را مشخص می‌کند. در این الگو، سه شیوه مختلف اخذ مالیات که از نظر اسلام قابل قبول است در حال اجراست. شیوه نخست، زکات است که در پی تامین هزینه‌های کلی و عمومی و بازتوزیع درآمد از خالص ثروت و درآمد کسب شده است. دومین شیوه بر اخذ مالیات عمومی در کنار اخذ زکات تاکید دارد. در این الگو مالیات بر ارث حذف می‌شود. شیوه سوم که شیوه یکپارچه است مبتنی بر ۵ فرض است: الف- مجموع مالیات نباید با نرخ نزولی اعمال شود؛ ب- درصدی از مجموع مالیات مقرر و وصول شده باید به موجب قانون به حساب پرداختهای رفاهی تخصیص یابد؛ پ- به مودیان باید این اختیار داده شود که بخشی از مجموع مالیات را در عوض زکات بپردازند؛ ت- زکاتی که به این ترتیب پرداخت می‌شود به حساب جداگانه‌ای واریز شود ث- اگر پرداختهای داوطلبانه زکات از میزان پرداختهای رفاهی قانونی بیشتر شود، باید مازاد به حساب عمومی منتقل شود و برعکس. الگوی زکات از جهت روح به اسلام نزدیکتر است ولی بر مبنای روند معاصر مدیریت اقتصادی می‌توان گفت که الگوی سوم یا الگوی یکپارچه به جهت کاربردی مورد قبول‌تر است.

### عربستان:

در کشورهایی چون عربستان، نزدیک به چهار دهه است که مالیات‌های اسلامی در قالب مکانیزم‌های نظام‌مندی تعریف شده‌اند. این مالیات‌ها دارای حساب‌های مشخص و دقیقی بوده، بر اساس نصاب‌های مشخصی دریافت شده و به آن حساب‌ها واریز می‌شوند (عسکری، ۱۳۸۸). همچنین مصارف مشخصی برای این مالیات‌ها تعریف شده است که عمدتاً ماهیت تأمین اجتماعی دارد. مسئولیت وصول مالیات هم به عهده وزارت اقتصاد و دارائی واگذار شده و توزیع آن به عهده دستگاه‌هایی است که نقش تأمین اجتماعی دارند. لازم به ذکر است که در عربستان، مالیات صرفاً در قالب زکات و از تبعه عربستان به نرخ ۲/۵٪ اخذ می‌شود ولی برای افراد غیرتبعه این کشور این نرخ معادل ۱۰ برابر نرخ زکات مرسوم است. در این کشور حساب‌های بانکی نیز مشمول این مالیات است (همان).

### پاکستان:

در پاکستان، زکات یک نوع مالیات اجباری است. این مالیات را در حساب‌های بانکی مشخصی جمع‌آوری کرده و در قالب وجوه مشخصی توزیع و مصرف می‌کنند. در این کشور شوراها ایالتی و

شورای مرکزی تاسیس شده‌اند که زکات ایالات مختلف را جمع‌آوری کنند و زیر نظر شوراهای ایالات مصرف نمایند (رحمان و احمدف، ۲۰۱۱). این امر انگیزه‌های جذب زکات و سازمان‌دهی آن را در ایالات افزایش می‌دهد. افراد غیرمسلمان از پرداخت این مالیات معاف هستند، چون بر اساس فقه اهل سنت این تکلیف شرعی به آنها تعلق نمی‌گیرد. اگر کسی بگوید که من مشمول زکات نیستم، باید سوگند یاد کند که به وی زکات تعلق نمی‌گیرد. به هر حال پرداخت زکات در آنجا مکانیزم معینی داشته و در قالب مشخصی جمع‌آوری و توزیع می‌شود. همچنین کمیته مرکزی زکات جهت ایجاد هماهنگی در امر وصول و توزیع آن، از طرق زیر در تلاش برای نهادینه کردن زکات است (کمیته مرکزی زکات، ۲۰۰۵):

- سازماندهی وصول و توزیع زکات و ارتقای آن؛
- سازماندهی زکات در جهت کمک به فقرا و نیازمندان جامعه؛
- تجمیع پرداختهای زکات به منظور اجرای پروژه‌های اصلی جامعه؛
- حمایت مالی از نیازهای مهم و مجاز جامعه؛

### سودان

قانون زکات در این کشور در سال ۱۹۸۴ مورد تصویب و اجرا قرار گرفت و پرداخت آن الزامی و منوط به ارائه اظهارنامه است و فرد در صورت عدم پرداخت، مجبور به پرداخت غرامت و جریمه خواهد شد (فؤادالعمر، ۱۹۹۶). اموال مشمول زکات عبارتند از همه اموالی که در فقه تصریح شده شامل احشام، غلات و مال التجاره مگر اموال باطنه (اموال باطنه شامل طلا، نقره زینتی، پول کنز شده، حساب‌های پس‌انداز مدت‌دار و جاری و حساب‌های سرمایه‌گذاری). بخشودگی‌ها و معافیت‌های زکات اجباری به اموال عمومی، اموال صدقات، موقوفات و اموال تجاری تعلق می‌گیرد. ناظر فقهی و تفسیر احکام در این کشور بر عهده شورای فتاوی شرعی است (همان). مدیریت و سازماندهی در ابتدا بر عهده مجلس اعلا، سپس رییس جمهور، بعد از آن وزارت امور اجتماعی بود و در حال حاضر بر عهده وزارت ارشاد و تبلیغ است. ساختار اداری زکات به صورت ادارات مرکزی، منطقه‌ای و محلی است. زکات توسط ادارت زکات و نهادهای دولتی توزیع می‌شود. کمیته‌های محلی به فقرا و مساکین و موسسات دینی و اجتماعی نیز زکات را می‌پردازند ولی حقوق عاملین زکات مستقیماً توسط اداره زکات پرداخت می‌شود.

**مصر**

قانون زکات در مصر در سال ۱۹۷۱ مورد تصویب قرار گرفت و جنبه داوطلبانه دارد. زکات در این کشور توسط بانک اجتماعی ناصر تحت نظارت بانک مرکزی مدیریت و سازماندهی می‌شود. روش‌های مختلف توزیع زکات مشتمل بر پرداخت از طریق حساب‌های زکات، پرداخت در مقر کمیته و پرداخت از طریق حوالجات است. در مصر مصرف زکات با تاکید بر اشتغال‌زایی است.

**۷- طراحی الگوی پذیرش خمس به عنوان مالیات**

تجربه کشورهای اسلامی که پرداخت زکات در آنها به صورت داوطلبانه و به یک مرکز مردمی-دولتی واگذار می‌شود و در عوض، دولت از انگیزه‌های مالیاتی مثل بخشودگی مالیاتی استفاده می‌کند و یا این وجوه را از درآمد مشمول مالیات کسر می‌کند، می‌تواند الگوی مناسبی برای کشور ما در شرایط فعلی باشد که بتواند الگویی مشابه آن را به اجرا درآورد. به طور کلی می‌توان، ارتباط وجوهات خمس و نظام مالیاتی را در غالب سه الگو، به شرح ذیل اجرا کرد:

- ۱- وجوه شرعی اسلامی به عنوان هزینه‌های قابل قبول محسوب شوند؛
  - ۲- وجوه اسلامی به عنوان بخشی از مالیات پذیرفته شود و در نتیجه نظام مالیاتی تلفیقی از وجوه شرعی و قانونی شود؛
  - ۳- نظام مالیاتی بر اساس وجوه شرعی تغییر یابد؛
- الگوی اول که هم اکنون در قالب ماده ۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم (کسر واجبات مالی از ما ترک متوفی) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ در حال اجراست.
- الگوی سوم نیز، با توجه به این نکته که دایره محدود وجوهات شرعی، سهم کوچکی از هزینه‌های دولت را با توجه به گسترش بی‌سابقه وظایف و هزینه‌های آن تامین می‌کند و امکان اتکاء جامعه بر این وجوهات به تنهایی وجود ندارد و از سوی دیگر، این وجوهات از نرخ و منابع ثابت برخوردار است و بنابراین انعطاف لازم جهت سیاست‌گذاری و هدایت منابع (بعنوان ابزار سیاست‌های مالی) را ندارد، پس نمی‌تواند قابل اجرا باشد. بنابراین الگوی دوم با توجه به واقعیت‌های امروز کشور و مطالب بیان شده در بخش‌های قبلی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.
- برای طراحی الگوی دوم در ایران باید دو مسأله اساسی تفکیک شده و مورد بررسی قرار گیرد:
- ۱- چه تشکیلاتی متولی دریافت این وجوهات باشند؟

۲- چه مکانیزمی برای این الگو مناسب است؟

لذا می‌توان این الگو را با همکاری مدارس علوم اسلامی (زیرمجموعه‌های شورای عالی حوزه علمیه قم) به عنوان یک نهاد مردمی، سالم و با سابقه دینی و از طریق پیاده‌سازی یک مکانیزم اجرایی محقق کرد.

### ۷-۱- مدارس علوم اسلامی / شورای مدیریت حوزه علمیه قم

مدارس علوم اسلامی (مدارس علمیه) به عنوان زیرمجموعه‌های شورای عالی حوزه علمیه قم به صورت سلسله مراتبی زیر مشغول فعالیت هستند:

مدرسه (حوزه) علمیه A ← شورای مدیریت حوزه‌های علمیه استان X ← شورای کل مدیریت

حوزه‌های علمیه ← شورای عالی حوزه علمیه قم ← مراجع معظم تقلید و مقام معظم رهبری

این مدارس در طی فعالیت خود اهدافی را دنبال می‌کنند که اهم آنها عبارتند از:

الف) ایجاد شرایط لازم برای پرورش فقهای بزرگ و مفسران و متکلمان و فلاسفه و خطبای اسلامی و محققان، در رشته‌های مختلف علوم دینی و تربیت کادر مورد نیاز حوزه و نظام؛

ب) ارتقای کیفی و کمی امور گزینشی، تحقیقی، تبلیغی، اخلاقی، سیاسی و معیشتی حوزه‌های علمیه؛  
ج) حفظ استقلال حوزه در تمام جهات، طبق توصیه‌های امام امت (قدس سره) و مقام معظم رهبری و مراجع عظام؛

د) تواناسازی هر چه بیشتر حوزه‌ها، در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جوامع بشری؛

ه) فراهم آوردن زمینه‌های مطلوب، جهت استفاده از حوزویان؛

و) برنامه‌ریزی در جهت مقابله همه‌جانبه با تهاجم بر ضد اسلام و مکتب اهل بیت، از سوی دشمنان و منحرفان؛

ز) تهیه و تصویب برنامه‌های لازم، در جهت تحکیم و تقویت مبانی انقلاب و نظام اسلامی.

لازم به ذکر است که عمده منابع تامین مالی این مدارس از طریق خمس به دست می‌آید که مردم در اختیار مراجع تقلید و یا نمایندگان آنها قرار می‌دهند. این در حالی است که در حال حاضر سهم عمده خمس نیز از طریق مراجع تقلید، صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمیه (به عنوان یک مرکز آموزشی دینی) می‌شود و اگر این مساله را بپذیریم که مالیاتها، یک منبع قابل اطمینان برای پوشش دادن هزینه‌های جاری از قبیل بهداشت، آموزش، امنیت و رفاه هستند، می‌توان نتیجه گرفت

که قسمت زیادی از این وجوه (خمس) در حال حاضر صرف آموزش و بهداشت افرادی از این جامعه می‌شود در حالی که به عنوان مالیات شناخته نمی‌شوند.

لذا می‌توان به دلایل زیر از این مدارس (شورای عالی حوزه علمیه قم) به عنوان بازوهای اجرایی سازمان امور مالیاتی کشور جهت پذیرش وجوهات خمس استفاده کرد:

۱- این مدارس مورد تایید مقام معظم رهبری هستند.

۲- این مدارس بازوی اجرایی قوی برای اشاعه دین هستند و لذا کمک به آنها موجب تقویت دین مبین اسلام می‌شود.

۳- در قرآن اجبار و اکراهی در دین وجود ندارد (سوره بقره، آیه ۲۰۶)، اما ضروری است که نظام اسلامی زمینه را برای کسانی که متمایل به اعمال نیک هستند فراهم سازد. لذا دولت اسلامی می‌تواند از این مدارس به منظور تشویق مردم برای اعمال داوطلبانه و خیریه استفاده نماید.

## ۷-۲- طراحی الگو

برای پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه چه سازوکاری برای الگوی جایگزینی خمس به جای قسمتی از مالیات بر درآمد مناسب است؟ باید خاطر نشان کرد که این الگو از یکسری پارامترهای علی- معلولی به شرح زیر تشکیل می‌شود که می‌توانند ارتباط تنگاتنگی با هم داشته و چالش‌هایی را به وجود آورند:

**سیستم مالیاتی کشور؛** مکانیزاسیون، هزینه وصول، درآمد مالیاتی از دست رفته، قوانین و مقررات.

**مدارس علمیه؛** پذیرش عمومی، میزان و نحوه اطلاع ذینفعان از مصرف وجوه، سیستم دخل و خرج،

اندازه‌گیری عملکرد. **مردم؛** تمایل به پرداخت وجوه خمس، تعداد جمعیت پرداخت‌کننده، تورم

در این الگو، افرادی که قصد پرداخت خمس مال خود را دارند، اگر آنها را به مدارس علوم اسلامی که

مورد تایید شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌باشند و به سازمان امور مالیاتی کشور معرفی شده‌اند،

پرداخت نمایند و گواهی پرداخت خمس را از آنها اخذ نمایند، به عنوان مودی مالیاتی شناخته شده و در

پرونده‌های مالیاتی آنها، از حساب مالیات بر درآمد آنها کسر خواهد شد. اگر چنانچه وجه خمس

پرداختی مودی از مالیات بر درآمد او بیشتر باشد، مودی مفاصا حساب مربوطه را دریافت کرده ولی اگر

وجه خمس پرداختی مودی از مالیات بر درآمد او کمتر باشد، باید مابه‌التفاوت لازم را به اداره امور

مالیاتی بپردازد و بعد مفاصا حساب دریافت نماید. تصویری کلی از الگوی پیشنهادی در ذیل ارائه شده

است:



برای طراحی چنین الگویی، پیش‌نیازهایی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱- برگزاری سلسله جلسات هم‌اندیشی با حضور اساتید حوزوی و مدیران سازمان مالیاتی؛
- ۲- مطالعه و بررسی به منظور ایجاد یک مکانیزم اجرایی؛
- ۳- بهره‌گیری از معافیت‌ها و ظرفیت‌های فعلی قانون؛
- ۴- تصویب ماده واحده الحاقی به قانون مالیات‌های مستقیم به منظور پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد؛
- ۵- اطلاع‌رسانی لازم و کافی به عموم مردم؛
- ۶- تنظیم دستورالعمل‌های لازم اجرایی توسط سازمان مالیاتی،
- ۷- تنظیم اوراق رسمی لازم برای مودیان این بخش؛

#### ۸- پیشنهاد اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم

با توجه به این نکته که اغلب کشورهای اسلامی در مورد وجوهات شرعی، دارای مکانیزم‌های مشخصی هستند ولی در ایران با وجود حکومتی شیعی، اقداماتی محدود در قانون مالیات‌های مستقیم صورت گرفته است (نظیر پذیرش وجوهات مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول) و لذا پذیرش این پیشنهاد می‌تواند به عنوان یک ابتکار عمل در کشور اسلامی ایران به عنوان بزرگترین حکومت شیعه در طول تاریخ مطرح گردد، می‌توان ماده واحده زیر را پیشنهاد داد:

"وجوهاتی که اشخاص حقیقی بابت خمس به مدارس علوم اسلامی می‌پردازند، به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد آنها پذیرفته می‌شود. تشخیص مدارس علوم اسلامی با شورای مدیریت حوزه علمیه قم می‌باشد.

**تبصره:** سازمان امور مالیاتی کشور موظف است تا سه ماه از تصویب این قانون، آیین‌نامه اجرایی موضوع این ماده را تهیه و ابلاغ نماید."



## ۹- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تاکید و ترغیب فراوان تعلیمات اسلامی بر انفاقات، صدقات مستحبی، خیرات و اوقاف نشان می‌دهد که در اسلام، نقش مردم در ایجاد توازن ثروت قابل توجه است. از این‌رو دولت باید در سیاست‌ها و تصمیمات خود آن را به‌طور مناسبی لحاظ نماید. از طرفی دولت‌ها سعی دارند تا از تصدی‌گری خود کاسته و مردم را در هزینه‌های مربوط به خود شریک کنند. بنابراین وجوهات شرعی در برابر مالیات‌های متعارف قرار ندارند بلکه باری را از دوش دولت بر می‌دارند. پس بهتر است دولت با برنامه‌ریزی سعی کند نظام مالیاتی به گونه‌ای مناسب تنظیم شود که نه تنها بار واجب مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند بلکه زمینه ترغیب مردم نیز فراهم آید. از طرفی، اغلب مردم خواستار نابرابری و فقر کمتر در جامعه هستند، ولی به‌طور فردی انگیزه‌ای ندارند که به نحوی عمل کنند تا سهم وسیعی از منافع ایجادشده در جامعه به دیگران برسد. بنابراین مداخله دولت برای کمک به بهبود نتایج توزیعی و زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینین، از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا رابطه این دو پرداختی از نظر اجرائی در هر زمان، می‌تواند طوری مدیریت شود که نتیجه مطلوب از فرایند مالیات‌ستانی حاصل شود. از این‌رو، لازم است که سیستم مالیاتی، در کنار الزام به جایگزینی «وجه خمس به عنوان مالیات» به جای «پذیرش وجوهات مالی به عنوان هزینه‌های قابل قبول»، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی از بخش‌های داوطلبانه را نیز پیش از پیش مدنظر قرار دهد. بنابراین همانطور که در بخش‌های قبلی این مقاله اشاره شد و سایر ملاحظات پیش‌رو، ضروری است که قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس (خمس ارباح مکاسب) بازنگری شده و برای حفظ استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه، نگاه به خمس و تدوین قانون خمس نگاهی تشویقی و احتساب آن به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد باشد تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، دغدغه پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری‌کننده خمس (مرجعیت)، خوداظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی، تأمین شود.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- پورفرج، علیرضا، «جایگاه مالیاتهای اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها»، مجموعه مقالات دومین همایش مالیاتهای اسلامی، انتشارات دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۹.
- ۳- رضایی، مجید (۱۳۸۷)، ویژگیهای منابع مالی دولت اسلامی و اثر آن بر سرمایه گذاری اقتصادی، مجموعه مقالات اولین همایش مالیاتهای اسلامی، دانشگاه مفید، قم.
- ۴- سبزو، محبوبه، محمدقاسم رضایی (۱۳۹۱)، تجارب کشورهای اسلامی منتخب در جمع‌آوری زکات، مجموعه مقالات چهارمین همایش مالیاتهای اسلامی، سازمان امور مالیاتی کشور، تهران.
- ۵- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی قانون زکات کشور با بعضی از کشورهای اسلامی، «مجموعه مقالات دومین همایش مالیاتهای اسلامی»، قم، دانشگاه مفید.
- ۶- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین (۱۳۹۰)، ملاحظاتی پیاپی‌سازی مالیاتهای اسلامی، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره یازدهم، سازمان امور مالیاتی کشور، تهران.
- ۷- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۷۹)، امکان جایگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.
- ۸- گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۷۹)، «تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، تهران.
- ۹- صدر، سید کاظم (۱۳۸۷)، اقتصاد صدر اسلام، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۰- عسکری، علی (۱۳۸۸)، سخنرانی، مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی: جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، دانشگاه مفید قم.
- ۱۱- عرب‌مازار، عباس، آیت زایر (۱۳۹۰)، ارائه الگویی برای حمایت مالیاتی از کمک‌های خیریه در ایران (بازنگری ماده ۱۷۲ ق.م.م با رویکرد اعتبار مالیاتی)، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره یازدهم.
- ۱۲- الحر العاملی، الشیخ محمد بن الحسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعة، ۲۰ جلد، تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، مکتبه الاسلامیه.
- ۱۳- الصدر، السید محمدباقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، الطبعة الاولى، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۴- الطباطبایی الیزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۰ق)، العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء العظام، عجلد، الطبعة الاولى، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

- ۱۵- المنتظری، حسینعلی، کتاب الخمس و الانفال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ۱۶- الخمينی، الامام روح الله (بی تا)، تحرير الوسیله، ۲ ج مطبوعه الاداب، نجف.
- ۱۷- الحسيني القزويني، عباس (۱۳۷۲ ش.)، زبده المقال فی خمس الرسول و ال (تقریرات بحث آیه...بروجردی)، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
- ۱۸- الخویی، السيد ابوالقاسم (۱۳۶۴)، مستند العروه الوثقی، علمیه، قم.
- ۱۹- سبحانی، حسن (۱۳۷۳)، نظام اقتصادی اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
- ۲۰- الطباطبائی الحکیم، السيد محسن (۱۳۹۰ ق.)، مستمسک العروه اوثقی، ج ۹، الطبعة الثالثة، منشورات مکتبه آیه.. المرعشی، قم، ایران.
- ۲۱- العمر، فؤاد عبدالله (۱۹۹۶)، کویت: اداره مؤسسات الزکاه فی المجتمعات المعاصره.
- ۲۲- الميلانی، السيد هادی (۱۳۵۸)، کتاب اخمس، بی جا، مشهد.
- ۲۳- النجفی، محمد حسن (۱۹۸۲ م)، جواهر الکلام. ج ۱۶، الطبعة السابعة. دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

24. IQbal, Zafar and Mervyn Lewis (2009), An Islamic Perspective on Governance, Edward Elgar Publishing.

25. Monawar, Hossain (2005), Zakat Based Poverty Eradication in Bangladesh, Institute of Hazrat Mohammad(SAW), Dhaka, Bangladesh.

26. Rehman, Javid and Aibek Ahmedov (2011), Islamic Law of Obligatory Alms(Zakat)(A teaching and Learning Manual), The Higher Education Academy, UK Center for Legal Education.

27. The Central Committee of Zakat (2005), The Institution of Zakat. The Council of Islamic Organizations of Greater Chicago(CIOGC).

